

تبیین وضعیت ایران و ترکیه در حقوق رقابت بین‌الملل

رحمت حاجی مینه*

طاهر حیدرزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۳

چکیده

۱۲۹

تحقیق حاضر در صدد است وضعیت ایران و ترکیه در حقوق رقابت بین‌الملل را بصورت مقایسه‌ای بررسی کند و با نگاهی به حقوق رقابت ترکیه که حاوی قواعد جدیدی نظیر موضوع ماده ۵۹ قانون حمایت از رقابت است، رویکرد افتراقی قانون‌گذار ایرانی را تبیین کند. در ایران، حقوق رقابت رشته‌ای نوپاست، به همین دلیل چالش‌هایی در مسیر توسعه حقوق رقابتی وجود دارد در حالی که ترکیه اقدامات بیشتری انجام داده است. برای نمونه، بودجه سازمان رقابت ترکیه بصورت درصد ثابتی از کارمزدهایی است که توسط شرکت‌های خصوصی به دولت پرداخت می‌شود. اما در ایران جزیی از بودجه دولت می‌باشد. در ایران علیرغم وجود زمینه‌های مناسب جهت تدوین حقوق رقابت و ممنوعیت رویه‌های مورد اشاره تا قبل از تصویب فصل نهم، قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بصورت غیرمنسجم می‌توانستیم تعدادی از ممنوعیت این رویه‌ها را در قوانین ملاحظه نماییم. رویه‌های ضدرقابتی ایران به دلیل عدم وجود قانون منسجم توسط مراجع رسیدگی کننده، مشخص و ارائه نگردیده است. لذا سؤال اصلی مقاله این است که وضعیت ایران و ترکیه در حقوق رقابت بین‌الملل به لحاظ تدوین و اجرای قوانین چگونه است؟ فرضیه اصلی نیز بر این اساس است که ترکیه با انجام اقدامات بیشتر در حقوق رقابت بین‌الملل از جمله تدوین قوانین و تفکیک بودجه نسبت به ایران وضعیت بهتری یافته است هرچند که چالش‌هایی هنوز پیش رو دارد. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: حقوق رقابت، بین‌الملل، ایران، ترکیه، سیاست رقابتی

۱. استادیار روابط بین‌الملل، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: r.hajimineh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



حقوق رقابت را باید مجموعه ضوابطی دانست که مبتنی بر مبانی بازار آزاد، که روابط فعالان تجاری را با یکدیگر و مصرف‌کنندگان تنظیم می‌کند به گونه‌ای که انحصار یا سوء استفاده‌ای از وضعیت اقتصادی مسلط شکل نگیرد. حقوق رقابت از نظر جغرافیایی مقید نیست؛ یعنی مبانی اقتصادی حقوق رقابت مبتنی بر لزوم تحقق رقابت آزاد بین فعالان اقتصادی برای شکل‌گیری بهره‌وری، علاوه بر روابط تجاری داخلی، درخصوص فعالان تجارت بین‌الملل نیز صادق است. بر این اساس می‌توان گفت منظور از «حقوق رقابت بین‌الملل» مجموعه ضوابطی است که تحقق رقابت در تجارت بین‌الملل را بررسی می‌کند. به عبارتی، موضوع این رشته از حقوق تحلیل و تبیین چگونگی شکل‌گیری رقابت بین فعالان در عرصه تجارت بین‌الملل است. در حقوق رقابت بین‌الملل تلاش می‌شود رفتارهای ضد رقابتی که مانعی به منظور توسعه و رونق تجارت بین‌الملل محسوب می‌شوند شناسایی و علاوه بر ارائه راهکار مؤثر برای مقابله با آن‌ها، معیارهای رقابتی بودن تجارت در عرصه فرامرزی تبیین شوند. با وجود اختلاف نظر در این زمینه می‌توان پذیرفت تجارت بین‌الملل دربرگیرنده آن نوع از روابط بازرگانی است که به بیش از یک کشور مرتبط می‌شود. بنابراین، از یک سو کلیه اقدامات تجاری فعالان در عرصه بین‌المللی و از سوی دیگر اقدامات و تصمیمات نهادهای داخلی که بر فرایند صادرات و واردات مؤثرند، در تجارت بین‌الملل مورد بحث واقع می‌شوند. همین رفتارها از منظر رقابتی در حقوق رقابت بین‌الملل بررسی و تحلیل می‌شوند. با توجه به گسترش روابط تجاری در عرصه بین‌الملل و لزوم آگاهی از ضوابط حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی، کسب اطلاع از ضوابط حاکم در این عرصه و تلاش برای تدوین نظامی جامع و متناسب با نیازهای اقتصادی و تجاری امری ضروری است. دو کشور ایران و ترکیه می‌توانند در این خصوص اقدامات موثری را انجام دهند که رونق اقتصادی را برای هر دو کشور تسهیل نماید. حقوق رقابت بین‌الملل موجب افزایش همکاری‌های بین‌المللی می‌شود، و رفاه عمومی را افزایش می‌دهد و موجب حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌شود. لذا سؤال اصلی مقاله این است که وضعیت ایران و ترکیه در حقوق رقابت بین‌الملل به لحاظ تدوین و



اجرای قوانین چگونه است؟ فرضیه اصلی نیز بر این اساس است که ترکیه با انجام اقدامات بیشتر در حقوق رقابت بین الملل از جمله تدوین قوانین و تفکیک بودجه نسبت به ایران وضعیت بهتری یافته است، هرچند که چالش‌هایی هنوز پیش رو دارد. مقالات متعددی در زمینه حقوق رقابت بین الملل منتشر شده است، اما هرکدام بصورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند و مقالات محدودی بصورت منسجم در این زمینه به چاپ رسیده است. مهم‌ترین مانع برای این پژوهش عدم دسترسی به مقالات مرتبط و نبودن مقالات تخصصی در این زمینه است. مقاله حاضر به روش تبیینی بصورت بسیار منسجم و شفاف در زمینه تبیین وضعیت ایران و ترکیه در حقوق رقابت بین الملل پرداخته است که ابتدا دکرترین اثرگذاری حقوق رقابت، حقوق رقابت، علل نیاز و چالش‌های تحقق آن، ابزارهای تحقق حقوق رقابت بین الملل و رفع چالش‌ها، سپس موضوعات مطرح شده در حقوق رقابت بین الملل، اهداف حقوق رقابت، شاخص و رتبه رقابت پذیری ایران و ترکیه، قواعد مهم رقابت در قوانین دو کشور و روابط اقتصادی آن‌ها و نهایتاً اعمال رقابتی باطل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تاریخی حقوق رقابت بین الملل

عمده‌ترین هدف حقوق رقابت، مبارزه با انحصار و پیشگیری از ایجاد موقعیت‌های انحصاری است و بالطبع هرآنچه چنین نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد، ممنوع خواهد بود. ارتباط حقوق رقابت با اقتصاد کشورها باعث گردیده تا این شاخه از حقوق به شدت مورد توجه دولتمردان و سیاست‌گذاران باشد. وجود قوانین و مقررات تسهیل کننده رقابت و ضدانحصار، از مهم‌ترین شرایط لازم برای تحقق اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. تدوین و تنظیم ضوابط مذکور، رسالت اصلی حقوق رقابت است. حدود ۸۰ کشور عضو سازمان تجارت جهانی دارای قانون رقابت هستند. از ۳۰ کشور عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی نیز ۲۷ کشور به تدوین قانون رقابت اقدام کرده‌اند. به طور کلی، ۱۰۶ کشور جهان دارای قانون رقابت هستند که از این تعداد ۲۶ کشور از قاره افریقا، ۱۸ کشور از قاره آسیا و اقیانوسیه، ۱۷ کشور از امریکای لاتین و کارائیب و بقیه کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی می‌باشند.

بر اساس گزارش‌های هریتیج از سال ۱۹۹۵ رابطه مثبت و معنادار میان آزادی اقتصادی و بهبود بلندمدت عملکرد اقتصادی و توسعه کشورها وجود دارد.

بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۸، ۱۸۰ کشور جهان را بر اساس شاخص آزادی اقتصادی و در پنج گروه ۱- آزاد، ۲- غالباً آزاد، ۳- نسبتاً آزاد، ۴- غالباً غیر آزاد، ۵- عقب‌مانده یا سرکوب شده ۵ رتبه‌بندی کرده است. در این رتبه‌بندی کشورهای هنگ‌کنگ (امتیاز ۹۰٫۲)، سنگاپور (۸۸٫۸)، نیوزلند (۸۴٫۲)، سوئیس (۸۱٫۷)، استرالیا (۸۰٫۹) و ایرلند (۸۰٫۴) در گروه کشورهای آزاد و کشورهایی نظیر کره شمالی (۵۰٫۸) و ونزوئلا (۲۵٫۲) در گروه کشورهای عقب‌مانده از لحاظ آزادی اقتصادی جای گرفته‌اند.

شهروندان کشورهای آزاد، طول عمر و درآمد بالاتری دارند و از استانداردهای بالاتر زندگی مانند بهداشت و آموزش عالی بهره‌مند شده‌اند. این کشورها بازار آزادتری دارند و از لحاظ شاخص‌هایی مانند علم و فناوری و توسعه نیروی انسانی از وضعیت مناسب‌تری برخوردارند.

در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۸، «بیش از نیمی از کشورهای بررسی شده» به سطحی بالاتر از شاخص آزادی در مقایسه با سال ۲۰۱۷ دست یافته‌اند و تولید ناخالص داخلی این کشورها نسبت به کشورهایی که با کاهش این شاخص مواجهه بوده‌اند، افزایش بیشتری نشان می‌دهد. تصویر صفحه بعد شاخص آزادی اقتصادی سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Rank	Country	Overall Score	Rank	Country	Overall Score	Rank	Country	Overall Score
1	Hong Kong	90.2	64	Slovenia	64.8	128	Bangladesh	55.1
2	Singapore	88.8	65	Albania	64.5	129	Kenya	54.7
3	New Zealand	84.2	66	Dominica	64.5	130	India	54.5
4	Switzerland	81.7	67	Azerbaijan	64.3	131	Pakistan	54.4
5	Australia	80.9	68	Montenegro	64.3	132	Zambia	54.3
6	Ireland	80.4	69	Indonesia	64.2	133	Nepal	54.1
7	Estonia	78.8	70	Brunei	64.2	134	Mauritania	54.0
8	United Kingdom	78.0	71	France	63.9	135	Burma	53.9
9	Canada	77.7	72	Portugal	63.4	136	Lesotho	53.9
10	United Arab Emirates	77.6	73	Guatemala	63.4	137	São Tomé and Príncipe	53.6
11	Iceland	77.0	74	Bahamas	63.3	138	Laos	53.6
12	Denmark	76.6	75	El Salvador	63.2	139	Egypt	53.4
13	Taiwan	76.6	76	Tonga	63.1	140	Lebanon	53.2
14	Luxembourg	76.4	77	South Africa	63.0	141	Vietnam	53.1
15	Sweden	76.3	78	Kyrgyz Republic	62.8	142	Ethiopia	52.8
16	Georgia	76.2	79	Italy	62.5	143	Micronesia	52.3
17	Netherlands	76.2	80	Serbia	62.5	144	Argentina	52.3
18	United States	75.7	81	Kuwait	62.2	145	Gambia	52.3
19	Lithuania	75.5	82	Paraguay	62.1	146	Guinea	52.2
20	Chile	75.2	83	Uganda	62.0	147	Congo, Dem. Rep.	52.0
21	Mauritius	75.1	84	Fiji	62.0	148	Malawi	52.1
22	Malaysia	74.5	85	Côte d'Ivoire	62.0	149	Cameroon	51.9
23	Norway	74.3	86	Morocco	61.9	150	Ukraine	51.9
24	Czech Republic	74.2	87	Bhutan	61.8	151	Sierra Leone	51.8
25	Germany	74.2	88	Seychelles	61.6	152	Uzbekistan	51.5
26	Finland	74.1	89	Dominican Republic	61.6	153	Brazil	51.4
27	South Korea	73.8	90	Samoa	61.5	154	Afghanistan	51.3
28	Latvia	73.6	91	Bosnia and Herzegovina	61.4	155	Maldives	51.1
29	Oatar	72.6	92	Croatia	61.0	156	Iran	50.9
30	Japan	72.3	93	Oman	61.0	157	Burundi	50.9
31	Israel	72.2	94	Honduras	60.6	158	Liberia	50.9
32	Austria	71.8	95	Burkina Faso	60.0	159	Kiribati	50.8
33	Macedonia	71.3	96	Cabo Verde	60.0	160	Niger	49.5
34	Macau	70.9	97	Tanzania	59.9	161	Sudan	49.4
35	Botswana	69.9	98	Saudi Arabia	59.6	162	Chad	49.3
36	Vanuatu	69.5	99	Tunisia	58.9	163	Central African Republic	49.2
37	Romania	69.4	100	Nicaragua	58.9	164	Angola	48.6
38	Uruguay	69.2	101	Cambodia	58.7	165	Ecuador	48.5
39	Rwanda	69.1	102	Guyana	58.7	166	Suriname	48.1
40	Jamaica	69.1	103	Namibia	58.5	167	Timor-Leste	48.1
41	Kazakhstan	69.1	104	Nigeria	58.5	168	Togo	47.8
42	Colombia	68.9	105	Moldova	58.4	169	Turkmenistan	47.1
43	Peru	68.7	106	Tajikistan	58.3	170	Mozambique	46.3
44	Armenia	68.7	107	Russia	58.2	171	Djibouti	45.1
45	Poland	68.5	108	Belarus	58.1	172	Algeria	44.7
46	Malta	68.5	109	Gabon	58.0	173	Bolivia	44.1
47	Bulgaria	68.3	110	China	57.8	174	Zimbabwe	44.0
48	Cyprus	67.8	111	Sri Lanka	57.8	175	Equatorial Guinea	42.0
49	St. Vincent and the Grenadines	67.7	112	Trinidad and Tobago	57.7	176	Eritrea	41.7
50	Bahrain	67.7	113	Mali	57.6	177	Congo, Rep.	38.9
51	Saint Lucia	67.6	114	Solomon Islands	57.5	178	Cuba	31.9
52	Belgium	67.5	115	Greece	57.3	179	Venezuela	25.2
53	Thailand	67.1	116	Belize	57.1	180	North Korea	5.8
54	Panama	67.0	117	Barbados	57.0			
55	Hungary	66.7	118	Guinea-Bissau	56.9			
56	Kosovo	66.6	119	Madagascar	56.8			
57	Costa Rica	65.6	120	Benin	56.7			
58	Turkey	65.4	121	Comoros	56.2			
59	Slovak Republic	65.3	122	Ghana	56.0			
60	Spain	65.1	123	Swaziland	55.9			
61	Philippines	65.0	124	Haiti	55.8			
62	Jordan	64.9	125	Mongolia	55.7			
63	Mexico	64.8	126	Senegal	55.7			
			127	Papua New Guinea	55.7			

Economic Freedom Scores

- 80-100 Free
- 70-79.9 Mostly Free
- 60-69.9 Moderately Free
- 50-59.9 Mostly Unfree
- 0-49.9 Repressed

(۱) Free (۲) Mostly Free (۳) Moderately (۴) Mostly Unfree (۵) Repressed

تصویر ۱- شاخص آزادی اقتصادی سال ۲۰۱۸

جدول زیر شاخص آزادی اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ در دو کشور ترکیه و ایران را نشان می‌دهد. این شاخص‌ها حاکی از آن است که محیط اقتصادی ایران از نظر آزادی اقتصادی و یا از دیدگاه فضای کسب و کار برای اجرای سیاست‌های کلی،

نه تنها از سایر کشورها آماده نیست، بلکه در خلال سال‌های ابلاغ و اجرای این سیاست‌ها به مراتب، نامساعدتر شده است.

جدول شماره ۱. شاخص آزادی اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸

کشور	۲۰۰۷			۲۰۱۷			۲۰۱۸		
	شاخص آزادی اقتصادی	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	شاخص آزادی اقتصادی	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	شاخص آزادی اقتصادی	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای
ایران	۴۴/۰۹	۱۵۱	۲۱	۵۰/۵	۱۵۵	۱۳	۵۰/۹	۱۵۶	۱۳
ترکیه	۵۸/۲۴	۸۷	۱۴	۶۵/۲	۶۰	۶	۶۵/۴	۵۸	۶

در کشور ایران پس از خاتمه جنگ تحمیلی، موضوع رقابت پذیرکردن اقتصاد ملی به‌عنوان یکی از سیاست‌های محوری نظام جمهوری اسلامی در قوانین برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است. در نظام حقوقی کشور ایران در حوزه حقوق رقابت قانون مصوب وجود ندارد. وزارت بازرگانی با احساس نیاز به وجود یک چنین مقرراتی، لایحه‌ای را با عنوان مقررات تسهیل‌کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات به هیئت دولت ارائه داده و هیئت وزیران نیز آن را در مورخ ۸۴/۴/۲۶ تصویب و به منظور طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نموده است. همچنین قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به تصویب رسیده است مربوط به بحث رقابت است.

کشور ترکیه نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه با رشد اقتصادی چشمگیر سال‌هاست که به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپاست. بدین منظور سیاست‌های اقتصادی اجتماعی خود را به سمت هماهنگی با اتحادیه اروپا پیش می‌برد و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت رونق سیاست بازار آزاد از خود نشان می‌دهد که از این جهت قابل تعمق و تأمل می‌باشد. از طرفی ارتباط اقتصادی این کشور با ایران هم غیرقابل انکار بوده و همواره در حال توسعه هم می‌باشد. در این میان کشور هدف به تبع روابط اقتصادی با جوامع غربی به ویژه کشورهای اروپایی به همسو سازی قوانین مربوطه به

بخش اقتصادی به ویژه مقررات رقابتی خود با مقررات مشابه اروپایی نیز مبادرت ورزیده که بعضاً برای تنظیم مبادلات تجاری ملی و فراملی مفید می‌نماید. امروزه نه تنها اکثریت قریب به اتفاق کشورهای مؤثر در اقتصاد جهانی دارای حقوق رقابت ملی می‌باشند بلکه در اثر توصیه‌ها و الزامات بین‌المللی ناگزیر به تدوین موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه نیز در این زمینه اقدام نموده‌اند. لذا کشور ما نیز که در حال توسعه روابط اقتصادی خود با تمام دنیا به ویژه کشورهای فعال منطقه نظیر ترکیه می‌باشد می‌تواند از ظرفیت‌های رقابتی متقابل برای بهبود قوانین مرتبط داخلی بهره برداری کند. حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران امری نوپا و دارای بافت تازه می‌باشد و به نظر می‌رسد پاسخگوی نیازهای عملی در زمینه اعمال مقررات رقابتی به ویژه در خصوص اثبات رویه‌های ضد رقابتی و دعاوی طرفین نمی‌باشد. این در حالی است که حقوق رقابت ترکیه حاوی قواعد جدیدی می‌باشد.

۲. دکترین اثرگذاری و حقوق رقابت

جهانی شدن اقتصاد مسائل نوینی را به وجود آورده است که انتظام بخشیدن به آن‌ها موضوع حقوق بین‌الملل است. ضرورت انتظام بخشیدن به فعالیت شرکت‌های فراملی در رابطه با مصرف کننده و منافع اقتصادی دولت‌ها موجب شده حقوق رقابت پا به عرصه وجود بگذارد. اصل اساسی در این حقوق، وجود بستر مناسب برای فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاران است تا بازیگران اقتصادی بتوانند بدون هراس از اقدامات متخلفانه داخلی و خارجی، به فروش کالا یا خدمات خود اقدام نمایند. به همین دلیل حقوق رقابت بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است (ضیایی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۱-۲. حقوق رقابت

رقابت به‌عنوان یک محرک مهم نوآوری منجر به آزادی انتخاب و کاهش قیمت‌ها می‌شود و به ارائه فناوری‌های جدید و کارآمد کمک می‌کند. در مقابل رویه‌های ضدرقابتی اتخاذ شده توسط بنگاه‌های اقتصادی ممکن است سبب اخلال در رقابت از جمله کاهش دسترسی به کالا و خدمات یا افزایش قیمت آن‌ها شود. بنابراین برای

تضمین و حصول اطمینان از عملکرد درست بازار، قانون رقابت که هدف اصلی آن محکوم کردن رفتارهای غیررقابتی است ضروری می‌باشد (بختیاروند و جمالی نژاد، ۱۳۹۶: ۴۳). یک نوع از قانون که برای شکل دادن به رفتار بازار ایجاد شده است قانون رقابت نام دارد و قانون ضد اعتماد نیز نامیده می‌شود. قوانین رقابتی به منظور حفاظت از روند رقابت از محدودیت‌هایی که می‌تواند بر کارکرد آن‌ها تأثیر بگذارد و مزایای آن‌ها را کاهش دهد ایجاد شده‌اند. زمانی که این قوانین به صورت مؤثر و کارآمد اجرا شوند، می‌توانند نقش مهمی در حمایت از روند رقابتی بازی کنند و بنابراین حداکثر استفاده از مزیت‌های این قوانین به عمل می‌آید. قانون رقابت می‌تواند منجر به کارایی بازارها شده و آن‌ها را در جامعه نهادینه کند. این قانون می‌تواند با افزایش انگیزه‌ها برای رقابت و حذف موانع بر سر راه ابداعات و توسعه‌ها به کارایی بازارها کمک کند. این قانون مظهر و در برگیرنده رابطه میان بازارها و جوامعی است که بازارها در متن آن فعالیت می‌کنند. این قانون می‌تواند رقابت را به عنوان یک ارزش تقویت کند و می‌تواند از طریق تشویق و یا عدم تشویق شکل خاصی از رقابت بر توزیع سودهای اقتصادی تأثیر گذار باشد.

گرچه بیشتر سیستم‌های قانونی ملی مانند اتحادیه اروپا قوانین رقابتی دارند، اما اهداف و روش‌های خاص اجرای این قانون متفاوت است و تنوع بسیاری در فشردگی حمایت سیاسی و فرهنگی در پس این نوع قوانین وجود دارد. در عین حال باید توجه داشت که هدف پایه‌ای محدودیت‌ها رقابتی یکسان است. به‌ویژه در آمریکا و اروپا و به‌طور فزاینده‌ای در سایر کشورها، این قوانین نقش مهمی در زندگی قانونی، سیاسی و اقتصادی بازی می‌کنند. مبنای فکری و چهارچوب مفهومی قانون رقابت از نظریه اقتصاد خرد نئو کلاسیک نشأت گرفته است. به این ترتیب، مبنای عقلانی، فلسفه و نظریه علی که شالوده قانون رقابت را تشکیل می‌دهد به درستی فرضیه‌ها، منطق و فلسفه تشکیل دهنده نظریه اقتصاد خرد نئو کلاسیک را تبیین می‌کند. در واقع نقطه شروع درک عقلانیت فراسوی قانون رقابت درک مفهوم نظریه اقتصاد خرد در مورد بازار، فواید ادراک شده سودمندی بازار، نقش رقابت و روابط بین آن‌ها است. به‌طور ویژه، لازم است که بدانیم:

- بازارها منابع ناچیزی بین رقابت و کاربرد اختصاص می‌دهند.

- سودمندی اقتصادی یعنی استفاده بهینه و تخصیص منابع از این دست از سوی بازارها و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی.

- رقابت استحکام بخش سودمندی بازار است.

- توان بازار در تضاد کامل با فرایندهای رقابتی بوده و به دلیل وجود توان بازار، بازارها قادر به بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی نیستند.

- قانون رقابت به منظور ارتقای رقابت، توان بازار را تنظیم نموده و بدین طریق سودمندی اقتصادی قوام یافته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد.

بنابراین بازار، حوزه جغرافیایی رقابت میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان با توجه به مبحث عرضه یا تقاضای محصول در یک دوره زمانی بخصوص می‌باشد. همچنین، رقابت همواره به عنوان سطحی از هم‌آورد واقعی و بالقوه میان تولید کنندگان در حمایت مشتریان بازار از لحاظ قیمت کالا و سایر تعریف شده است. بازار اساساً قلمرو زمان- مکان مفهومی رفتار رقابتی است. بنابراین قانون رقابت تنها زمانی کاملاً قابل درک و یا انتقاد است که قوانین و دیدگاه‌ها به عنوان تابعی از ملاحظات منجر به توسعه آن تلقی شود (کوخابی، ۱۳۹۴: ۴).

۲-۲. علل نیاز به حقوق رقابت بین الملل و چالش‌های تحقق آن

با افزایش روابط اقتصادی و تجاری بین کشورها در قرن بیستم، موضوعات مربوط به رقابت در تجارت بین کشورها نیز اهمیت فراوانی یافت. امروزه توسعه روابط مبتنی بر تجارت بین الملل از روش‌های افزایش بهره‌وری محسوب می‌شود و تحقق رقابت در این عرصه از ملزومات افزایش تعاملات در تجارت بین المللی است. بررسی اختلافات حقوقی مرتبط با تجارت بین الملل نیز نشان می‌دهد نقض رقابت و تلاش برای ایجاد انحصار تجاری حجم بسیاری از منازعات را به خود اختصاص داده است. بنابراین، همانند سایر زمینه‌های حقوق تجارت، فرایند سریع جهانی شدن، جنبه‌های بین المللی حقوق رقابت را نیز افزایش داده است.

امروزه وضعیت اقتصادی کشورها تنها تحت تأثیر نظام داخلی تصمیم سازی آن کشور نیست، بلکه به واسطه رشد روزافزون تبادلات اقتصادی و تجاری و درهم



تندگی زنجیره روابط، ضروری است ساختاری بین‌المللی ایجاد شود تا به شکلی ضابطه‌مند از بروز خلل در چرخه عرضه و تقاضا در بازارهای بین‌المللی جلوگیری شود. (Alden, 2013: 12 & Dabbah, 2003: 287)

راهکارهای حقوق رقابت داخلی را نیز الزاماً نمی‌توان روش‌های متناسب برای تنظیم روابط در فراسوی مرزها دانست. در واقع با وجود شباهت‌هایی مانند اشتراک در اهداف و مبانی و مشابهت در بسیاری از ابزارهای مقابله با رفتار ضد رقابتی، حقوق رقابت داخلی متفاوت و متمایز از حقوق رقابت بین‌المللی است (وکیلی مقدم، ۱۳۹۶: ۷۶۵).

نیاز شدید و لزوم حمایت از فعالان عرصه تجارت بین‌الملل در کنار اهمیت از بین بردن زمینه سوء استفاده آن‌ها، موجب شد از اواخر دهه ۸۰ میلادی به شکل فزاینده ضرورت نظام حقوقی جامع در این موضوع مطرح شود. (Bakouch, 1997: 58) و Hoekman, 2005: 2 حقوق رقابت بین‌الملل موجب می‌شود از یک سو روابط تجاری بین‌المللی با یکدیگر به شکلی رقابتی تنظیم شوند و به واسطه رفتارهایی مانند تبانی یا توافق بین رقبای انحصار بروز نکنند و از سوی دیگر، در تعامل تجاری بین‌المللی و کشورهای میزبان نیز توازن در منافع طرفین حفظ شود (stephan, 2005: 36 & Papadopoulos, 2010: 30 & Utton, 2006: 195)

چالش‌های ذکر شده، موجب شده است شکل‌گیری حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی با صعوبت فراوان همراه باشد. مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه عبارت‌اند از:

۲-۲-۱. تفاوت در منافع کشورها و تعارض قوانین

در اواخر دهه ۷۰ میلادی تنها ۹ کشور قانون رقابت را تصویب کردند و از این میان ۶ کشور دارای مسئول یا نهاد مستقل در این زمینه بودند. در سال ۱۹۹۰ تعداد این کشورها به ۲۳ عدد افزایش یافت. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ این تعداد با افزایشی ۵۰۰ درصدی به ۱۲۷ کشور رسید. بنا بر اقتضای بین‌المللی بودن رقابت در این عرصه، موضوعات مطرح شده حداقل به نظام حقوقی دو کشور ارتباط می‌یابند. بنابراین، در اولین گام باید نظام حقوقی صالح و قانون حاکم را برای رسیدگی تعیین کرد. بیش‌ترین میزان تعارض منافع بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته

وجود دارد. بر این اساس، کشورهای در حال توسعه بر این باورند که اسناد بین‌المللی و راهکارهای ارائه شده در این موضوع صرفاً تأمین‌کننده منافع کشورهای صنعتی یا شرکت‌های چندملیتی است به همین علت از این راهکارها چندان استقبال نمی‌شود (Hoekman, 1997: 5 & Robert, 2002: 2).

۲-۲-۲. نبود دولت مرکزی

برخلاف حقوق داخلی که در قلمرو سرزمینی یک دولت خاص شکل می‌گیرد، حقوق رقابت بین‌الملل، صحنه تعامل و گاه تقابل چندین کشور است که هریک در پی حمایت از منافع داخلی و رشد بازار خود هستند. در این عرصه با وجود مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی متعدد، مرجعی واحد با قدرت مرکزی وجود ندارد تا ضوابط حقوق رقابت را تدوین کند. به همین علت اختلافات بین قوانین کشورها را نمی‌توان مبتنی بر اعمال حاکمیت مرکزی پایان داد. در واقع این سؤال که چه نهادی قادر است ضوابط رقابت بین‌المللی را تدوین کند یا در عمل قانون کدام کشور را باید به منزله ضابطه ای بین‌المللی استفاده کرد، چندان پاسخی قطعی و مشخص ندارد (وکیلی مقدم، ۱۳۹۶: ۷۶۷).

۲-۲-۳. چالش‌های اجرایی

فارغ از تفاوت‌های ماهوی که بین قوانین کشورهای مختلف در زمینه حقوق رقابت وجود دارد، چالش‌های اجرایی و تفاوت‌های شکلی در نظام‌های حقوقی متفاوت نیز، ایجاد ساختار واحد در زمینه رقابت بین‌المللی را با مشکلات فراوان مواجه کرده است. برای مثال اگر دو شرکت بین‌المللی با یکدیگر ادغام شوند و این امر موجب برهم خوردن ساختار بازار رقابتی در سه کشور شود مشخص نیست ضمانت اجرای بروز این رفتار در هر کشور چگونه خواهد بود؟ آیا هر کشور قادر است صرفاً در خصوص خسارات وارد آمده به بازار خود رسیدگی یا یک نظام قضایی می‌تواند برای مجموع خسارات تصمیم‌گیری کند؟ همچنین وجود تشریفات نظارتی مختلف در کشورها نیز ضوابط حقوق رقابت را با مشکلات اجرایی فراوان مواجه کرده است.

۳. ابزارهای تحقق حقوق رقابت بین‌الملل و رفع چالش‌ها

وجود چالش‌های فراوان، نیاز به حقوق رقابت بین‌الملل را از بین نبرد به همین علت فعالان عرصه تجارت، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها تلاش کردند از ابزارهای مختلف برای تحقق بخشیدن به این ساختار استفاده کنند. مهم‌ترین اقداماتی که در این زمینه انجام شده است را می‌توان به شرح زیر دانست:

۳-۱. معاهدات

شاید بتوان گفت آسان‌ترین شیوه برای ایجاد سازوکار اجرایی مشخص و هماهنگ در زمینه حقوق رقابت بین کشورها، انعقاد معاهداتی است که به صورت دو یا چندجانبه تنظیم می‌شوند. کشورهای که روابط تجاری و اقتصادی گسترده دارند قادر خواهند بود با تدوین معاهدات، روابط موردنظر خود را به شکلی متناسب و بر مبنای نیاز خود تنظیم کنند. محدود بودن طرفین معاهده و مشترک بودن نیازها موجب می‌شود انعقاد معاهدات تقریباً امری آسان باشد و به منزله انتخاب اول در شکل‌گیری حقوق رقابت بین‌الملل قلمداد شود از طرف دیگر، باید دانست که معاهدات صرفاً از سوی دولت‌ها تنظیم می‌شوند، در حالی که در تجارت به ویژه در عرصه بین‌المللی، نقش آفرینی فعالان دولتی رو به کاهش است. به همین علت بیان شده است که معاهدات از مطلوبیت کافی برای تحقق اهداف مدنظر حقوق رقابت بین‌الملل برخوردار نیستند.

۳-۲. مفاد معاهدات و شروط مندرج در آن

معاهداتی که بین کشورها در زمینه حقوق رقابت منعقد می‌شود دارای شروط متعددی است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را به شرح زیر دانست:

۳-۲-۱. نزاکت منفی

به طور کلی مفهوم نزاکت دربرگیرنده ملاحظاتی است که مبنای آن محق بودن طرف دیگر نیست، بلکه این ملاحظات مبتنی بر رعایت آداب معاشرت، حسن نیت یا

حسن هم جواری بین کشورها انجام می‌شود (Garner, 2009: 303). ابزاری مؤثر و رایج در حقوق رقابت بین الملل است که برای جلوگیری از بروز تعارض در قوانین استفاده می‌شود. این مفهوم ابتدا در ربع پایانی قرن ۱۷ و در هلند رواج یافت و مبنای توجیهی آن بر پایه تحلیل بود که حقوقدان هلندی اولریخ هابر ارائه کرد. نزاکت منفی یا سستی شرطی در توافقات است که براساس آن هریک از طرفین متعهد می‌شود در اجرای قانون یا ضوابط داخلی خود در زمینه حقوق رقابت، منافع طرف دیگر را مدنظر قرار دهد و در نتیجه از اجرای قوانین و محدودش کردن منافع طرف مقابل خودداری کند.

۲-۲-۳. نزاکت مثبت

نزاکت مثبت توافقی است که براساس آن یکی از طرفین قادر است از طرف دیگر اقدامی مناسب برای مقابله با رفتاری ضدرقابتی را مطالبه کند. این اقدام ضدرقابتی در کشور درخواست شونده اتفاق افتاده است، اما منافع کشور متقاضی را تحت تأثیر قرار داده است. (Ayudhaya, 2013: 422)

۳-۲-۳. اعلام و تبادل اطلاعات

منظور از اعلام، آگاه کردن طرف مقابل و ارائه اطلاعات پایه و اولیه به آنها است. اعلام در واقع مکانیسمی است که نقطه آغاز تعامل و مشارکت بین طرفین را شکل می‌دهد (Papadopoulos, 2010: 71). در عین حال شرط مربوط به تبادل اطلاعات را می‌توان مرکز ثقل تمام مصادیق تعامل در عرصه بین المللی دانست. به گونه ای که می‌توان گفت میزان تبادل اطلاعات، موفقیت و کارآمدی تعامل را مشخص می‌کند. این روش می‌تواند به شکل ملاقات بین مسئولان کشورهای مختلف نیز محقق شود. بنابراین، شرط تبادل اطلاعات، ابزاری مؤثر برای آگاهی از تجربیات و راهکارهای سایر کشورها در زمینه حقوق رقابت و اطلاع از نگرانی‌ها و رویکرد آنهاست. البته ضروری است انتقال اطلاعات با رعایت ضوابط داخلی کشورها در زمینه حفظ

اسرار صورت گیرد. به همین علت در اغلب توافقات دوجانبه و در کنار شرط تبادل اطلاعات، «شرط حفظ اسرار نیز گنجانده می‌شود (wood, 1992: 15).

۳-۲-۴. هماهنگ سازی

مشکلات حاصل از تفاوت بین نظام‌های حقوقی مختلف در عرصه تجارت بین‌الملل، بسیاری را بر این عقیده کرده است که راه حل نهایی برون رفت از این وضعیت تلاش برای افزایش مشابهت‌ها و نقاط اشتراک نظام‌های حقوقی است. در این میان دو اصطلاح یکسان سازی و هماهنگ سازی مطرح شده است؛ یکسان سازی، فرایند از بین بردن کلیه تفاوت‌ها میان دو یا چند نظام حقوقی در موضوع مورد نظر است. در حالی که هماهنگ سازی مبتنی بر افزایش مشابهت آن‌هاست (mason, 2005: 127). امروزه پذیرفته شده است هماهنگ سازی حقوقی با ماهیت روابط بین‌المللی تجار هم سویی بیشتری داشته و در عین حال از قابلیت تحقق بیشتری برخوردار است. در حقوق رقابت نیز به هماهنگ سازی به منزله روشی برای ایجاد نظام مشترک توجه شده است. در فرض رایج، هماهنگ سازی از سوی مؤسسات یا سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد.

۴. موضوعات مطرح شده در حقوق رقابت بین‌الملل

رفتارهای ضدرقابتی بین‌المللی مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این رشته قلمداد می‌شوند که مصادیق عمده آن به شرح زیر است:

۴-۱. کارتل بین‌المللی

کارتل مجموعه‌ای از تولیدکنندگان یا فروشندگان است که با مشارکت یکدیگر میزان تولید یا قیمت محصولی خاص در بازار را کنترل کنند. در صورتی که طرفین یک کارتل، شرکت‌هایی با تابعیت‌های مختلف باشند یا سازمان‌های دولتی از کشورهای مختلف چنین نهادی را ایجاد کنند، «کارتل بین‌المللی» شکل گرفته است که در برخی منابع از آن با عنوان رفتار مبتنی بر تبانی نیز یاد شده است. تثبیت قیمت، تقسیم بازار،

کنترل تولید و عرضه محصول مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به منزله رفتارهای ضدرقابتی از سوی کارتل‌های بین‌المللی انجام شود. به همین دلیل کارتل‌ها از موانع مهم توسعه و رشد تجارت بین‌الملل قلمداد می‌شوند.

کارتل‌های دارای آثار ضدرقابتی کارتل‌های شدید نامیده می‌شوند. طی چهار دهه اخیر پذیرفته شده است که کارتل بین‌المللی آشکارترین رفتار ضدرقابتی در عرصه تجارت بین‌الملل است. افزایش این کارتل‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه و ضرورت بررسی آثار رقابتی و ضدرقابتی آن‌ها نیاز به حقوق رقابت بین‌الملل را افزون کرده است. همچنین، کارتل‌های مشمول معافیت نیز از دیگر موضوعاتی است که در حقوق رقابت بین‌الملل بررسی می‌شوند.

۴-۲. ادغام و تحصیل ملکیت بین‌المللی

بند ۱۶ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ایران در تعریف ادغام بیان کرده است: اقدامی که براساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند. براساس قانون کلایتون امریکا، ادغام ضدرقابتی به شکل عمده کاهش رقابت را همراه دارد یا به قصد ایجاد انحصار در هر سطحی از تجارت در امریکا شکل گرفته است.

۴-۳. محدودیت‌های عمودی

ممکن است در توافقات بین تولیدکنندگان و عرضه کنندگان، شروطی با آثار ضدرقابتی درج شود. چون موقعیت طرفین در این نوع از توافقات همسان نیست، محدودیت‌های حاصل از این شروط، «محدودیت عمودی» نامیده می‌شوند (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۷۵). استفاده از محدودیت‌های عمودی در سطح بین‌المللی موجب می‌شود بازار کشوری دیگر ساختار رقابتی خود را از دست دهد و تنظیم روابط، صرفاً مبتنی بر پایداری به توافقاتی شود که پیش‌تر صورت گرفته است. بر

همین اساس، در حقوق رقابت بین‌الملل تلاش می‌شود با معیارها و اقدامات اجرایی هماهنگ، با چنین توافقاتی مقابله شود (Papadopoulos, 2010: 42).

۴-۴. دامپینگ

دامپینگ (Dumping) به معنی فروش حجم زیادی از محصولات در خارج از محل تولید، به قیمتی کمتر از قیمت رقابتی است. براساس ماده ۷ قانون امور گمرکی ایران مصوب سال ۱۳۵۰، ماده ۱۰ قانون عمومی صادرات و واردات مصوب ۱۳۶۰، موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری میان کشورهای اسلامی، برنامه چهارم توسعه، قوانین بودجه ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ دامپینگ ممنوع اعلام شده است. در برخی از این اسناد دامپینگ به معنی «بازار شکنی» یا «قیمت شکنی» مطرح شده است. دامپینگ بسیار شبیه قیمت گذاری تهاجمی است که به واسطه آن قیمت‌ها به قصد حذف فعالیت‌های تجارت بین‌الملل است. (وکیلی مقدم، ۱۳۹۶: ۷۷۵).

۵. اهداف حقوق رقابت

الف) در مورد اهداف حقوق رقابت میان صاحب نظران و نظام‌های حقوقی، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از مکاتب اقتصادی نظیر مکتب شیکاگو عقیده دارد که اهداف اقتصادی و منحصراً ارتقاء کارایی اقتصادی باید تنها هدف مقررات رقابت باشد. پیگیری سایر مقاصد باید به قوانین دیگر واگذار شود. قوانین رقابت وضع می‌شوند تا از هدررفت منابع به هر بهانه و انگیزه‌های جلوگیری کنند و ضامن بقای تنها بنگاه‌های کارآمد باشند.

بنگاه‌هایی که نمی‌توانند از حداقل منابع، حداکثر تولید و با نازل‌ترین قیمت را داشته باشند و قادر به نوآوری و ابداع نیز نیستند، حق حیات در بازارهای رقابتی نداشته و شایسته حمایت نمی‌باشند. بنابراین، باید سرنوشت آن‌ها را به خود بازار و نیروهای آن واگذار نمود؛ اما تعدادی دیگر همچون قائلین به مکتب هاروارد در ایالات متحده آمریکا و مکتب فرایبورگ در اروپا، برآنند که همچنان که در کنار مسائل اقتصادی، اهداف غیراقتصادی نیز زمینه ساز بروز مقررات رقابت بوده‌اند، در تفسیر و اجرای مقررات

مزبور، آن‌ها نیز باید نقش آفرینی کنند. بازار، پدیده ای اجتماعی است؛ مدیریت چنین پدیده‌هایی تنها با توجه به مسائل اقتصادی میسر نیست. بویژه در کشورهای در حال توسعه، اهمیت دغدغه‌هایی چون اشتغال زایی، عدالت توزیعی و حمایت از صنایع داخلی کمتر از کارایی اقتصادی نیست؛ هرچند پیگیری آن‌ها، بخش معقولی از منابع جامعه را به خود مشغول کند.

ب) اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند؛ ممکن است در نتیجه تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آن‌ها دست خوش تغییر شود. با این حال به طور کلی، روح حقوق رقابت ثابت و عبارت است از حفظ رقابت برای افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف کنندگان. بنابراین، اصولاً مجریان مقررات رقابت باید قواعد آن را در این راستا تحلیل، تفسیر و اجرا نمایند.

ج) در نظام حقوقی ایران نیز باید اقدامات بنگاه‌های اقتصادی که برخلاف مسیر فوق است، ضدرقابتی تلقی شود. بنابراین، به هدف فوق باید اعتباری برابر با اصل داد؛ اهداف غیراقتصادی باید تنها در موارد مصرح قانونی، به طور استثنایی و در مواردی که مصلحت اقتضا می‌کند، به کار گرفته شوند. (مقدم و فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۶. حقوق رقابت ایران و ترکیه و رقابت پذیرترین کشورهای جهان

براساس گزارش رقابت پذیری جهانی (۲۰۱۴-۲۰۱۳) سوییس با شاخص رقابتی ۵/۶۷ برای پنجمین سال پیاپی رقابت پذیرترین اقتصاد جهان را دارا بوده است. پس از آن کشورهای سنگاپور، فنلاند، آلمان و ایالات متحده آمریکا در رتبه‌های ۲ تا ۵ جهان قرار می‌گیرند. آلمان با ۲ رتبه ارتقا به رتبه ۴ رسید. ایالات متحده که تا ۴ سال پیش رقابت پذیرترین اقتصاد جهان را در اختیار داشت، روندی نزولی را طی کرده و در گزارش (۲۰۱۳-۲۰۱۲) ردیف ۷ جهان را به خود اختصاص داد. این کشور با دو رتبه ارتقا به جایگاه ۵ رقابت پذیری در جدول صعود کرده است. پس از آن آمریکا، کشورهای سوئد، هنگ کنگ، ژاپن و انگلستان به ترتیب در رده‌های بعدی رقابت پذیری قرار می‌گیرند (میراحسنی، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

طبق گزارش سال جاری سوئیس رقابت‌پذیرترین اقتصاد دنیا است و شاخص رقابت‌پذیری اقتصادی در این کشور برابر با ۵/۸۶ است. کشورهای امریکا، سنگاپور، هلند و آلمان هم در این فهرست جایگاه دوم تا پنجم را دارند. این کشورها در گزارش سال قبل هم در میان پنج کشور دارای شاخص بالای رقابت‌پذیری معرفی شده بودند و دلیل آن سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی و اقتصادی و توسعه‌یافتگی مؤسسات اقتصادی در این کشورها است.

امارات در این فهرست جایگاه هفدهم را دارد که نسبت به سال قبل یک پله تنزل داشته است. این کشور اولین کشور حاشیه خلیج فارس است که در فهرست جای گرفته است. کشور مالزی در این فهرست جایگاه بیست و سوم را دارد و قطر در جایگاه بیست و پنجم قرار گرفته است. چین جایگاه بیست و هفتم این فهرست و عربستان جایگاه سی‌ام را دارد و روسیه در جایگاه سی و هشتم قرار گرفته است. در گزارش سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷ از ترکیه به عنوان پنجاه و سومین کشور در میان ۱۳۷ کشور مورد مطالعه نام برده شده است و ایران جایگاه ۶۹ را دارد. جایگاه ایران نسبت به سال گذشته هفت پله ارتقا یافته است. در انتهای این فهرست کشورهای یمن و موزامبیک و چاد و لیبیا و موریتانی واقع شده‌اند و شاخص رقابت‌پذیری اقتصادی این کشورها بین ۳/۰۹ و ۲/۸۷ است.

۱-۶. شاخص و رتبه رقابت‌پذیری ایران و ترکیه و برخی کشورهای منطقه

گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۳-۲۰۱۴) حاکی از آن است که در بین کشورهای منطقه خاورمیانه، قطر با شاخص رقابت‌پذیری ۵/۲۴ و کسب رتبه ۱۳، امارات متحده عربی با شاخص رقابت‌پذیری ۵/۱۱ و کسب رتبه ۱۹ و عربستان سعودی با شاخص رقابت‌پذیری ۵/۱۰ و کسب رتبه ۲۰ بهترین رتبه‌های رقابت‌پذیری را به خود اختصاص داده‌اند.

این در حالی است که برخی کشورهای توسعه یافته از رتبه و شاخص رقابت‌پذیری پایین‌تری برخوردارند، به‌عنوان نمونه فرانسه با رتبه رقابت‌پذیری ۲۳، کره جنوبی با رتبه ۲۵، چین با رتبه ۲۹، ایتالیا با رتبه ۴۹ و روسیه با رتبه رقابت‌پذیری ۶۴ در رده‌های

پایین تری نسبت به برخی کشورهای در حال توسعه قرار می گیرند. همچنین، کشورهای مالزی با رتبه رقابت پذیری ۲۴، برونی (دارالسلام) با رتبه ۲۶، عمان با رتبه ۳۳، کویت با رتبه ۳۶، آذربایجان با رتبه ۳۹، ترکیه با رتبه ۴۴، قزاقستان با رتبه ۵۰ و هند با رتبه ۶۰ حائز رتبه های رقابت پذیری نسبتاً خوبی در منطقه می باشند.

در گزارش رقابت پذیری جهانی (۲۰۱۳-۲۰۱۴) و در بین ۱۴۸ کشور مورد مطالعه رتبه رقابت پذیری ایران ۸۲ و شاخص رقابت پذیری ۴/۰۷ بوده است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۲ در میان ۱۴۴ اقتصاد جهان، شاخص رقابتی ایران ۴/۲۲ و رتبه رقابت پذیری ۶۶ بوده که از این نظر ۱۶ پله بدتر شده است.

در گزارش رقابت پذیری جهانی (۲۰۱۸-۲۰۱۷) ترکیه در جایگاه ۵۳ و ایران در جایگاه ۶۹ در میان ۱۳۷ کشور مورد مطالعه قرار دارد.

۲-۶. حقوق رقابت ایران

در حقوق ایران تلاش ها به منظور شناسایی قواعد حقوقی ناظر به رقابت از زمان برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز گردید. اما می توان رد پای قواعد مربوط به حقوق رقابت را در قوانین و برنامه های مختلف در قبل از انقلاب نیز یافت. از جمله: ۱- ماده واحده (قانون اصلاح ماده ۲۴۴ و ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰/۴/۲۲) ۲- قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه و توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن مصوب مجلس شورای ملی (۱۳۵۰) ۳- ایجاد مرکز بررسی قیمت (۱۳۵۲) ۴- تأسیس سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان (۱۳۵۶). بعد از انقلاب اسلامی حرکت قانون گذار به سوی شناسایی حقوق رقابت را در قوانین ذیل می توان دید:

۱- اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی ۲- بخش دسیسه در کسب و پیشه و تجارت در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ ۳- بندهای ۲۸ و ۱۰ و قسمت هـ از فصل ۶ بند ۱۱ قانون برنامه اول مبنی بر حذف تشکلهای انحصاری در تولید و توزیع کالا ۴- بند ۶ از فصل اول قانون برنامه دوم ۵- فصل چهارم قانون برنامه سوم ۶- مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۱ قانون برنامه چهارم ۷- مواد ۶۴ و ۶۶ قانون تجارت الکترونیک ۸- قانون اجرای سیاست های کلی

اصل ۳۳ قانون اساسی که می‌توان آن را تولد حقوق رقابت در ایران دانست. اگر چه در ماده ۵۱ این قانون پیش بینی شده که "حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون شود."، مفهوم و رابطه قواعد ناظر به رقابت غیر منصفانه با حقوق مالکیت فکری از یک سو و قواعد ناظر به رقابت از سوی دیگر روشن نشده است. (جعفرزاده و شیخی، ۱۳۹۵: ۷۲).

با ادغام لایحه رقابت‌مندی بازار در لایحه اصلاحات اصل ۴۴ قانون اساسی لایحه مذکور در خرداد ماه ۱۳۸۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید گردید و به مجلس ارسال شد و در تیرماه سال ۱۳۸۷ در چارچوب مجموعه قوانین و مقررات اجرایی به دولت ابلاغ گردید. براساس ماده ۶۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۸۷/۵/۱۲ شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضدرقابتی است و مکلف است رأساً و یا براساس شکایت هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی بررسی و تحقیق در خصوص رویه‌های ضدرقابتی را آغاز و در چارچوب ماده ۶۱ این قانون تصمیم می‌گیرد. اعضای شورا متشکل از افرادی از قوای سه گانه و بخش خصوصی هستند. شورای رقابت بودجه خود را از دولت می‌گیرد. بنابراین این بودجه شورا به عنوان جزئی از بودجه دولت تعیین می‌گردد (شاکری، ۱۳۹۴: ۳).

اگرچه، در فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به صراحت هدف از مقررات آن ذکر نشده، اما آنچه گفته شد در حقوق ایران نیز در سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام برای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و همچنین در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷ به خوبی قابل ردیابی است.

اولاً؛ در بند سوم قسمت (د) و بند سوم قسمت (ه) مصوبه مورخ ۲۱/ ۹/ ۱۳۸۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام از افزایش رقابت پذیری و جلوگیری از ایجاد انحصار توسط بنگاه‌های غیردولتی از طریق وضع قوانین و مقررات لازم به عنوان یکی از سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی نام برده شده است. بند (ج) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری نیز به صراحت بر افزایش رقابت پذیری به عنوان یکی از جهت گیری‌های خصوصی سازی

اشاره دارد. این امر بیانگر آن است که در نظام اقتصادی ایران، به رقابت به دیده ارزشی مستقل نگریسته می‌شود. همچنین در بند الف ماده ۳۷ و دیگر مواد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت مکلف شده است که نظام‌های قانونی حقوقی و اقتصادی مناسب را در جهت تقویت رقابت پذیری اقتصاد فراهم نماید.

افزون بر آنچه گفته شد، ماده ۱ پیش‌نویس لایحه قانون جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات و ویرایش پنجم که در آبان ماه ۱۳۸۳ از سوی معاونت برنامه ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی تهیه شده و مقررات فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به طور کلی بر این پیش‌نویس تکیه دارد، بیان می‌کند: هدف این قانون حذف و یا کنترل انحصار در فعالیت‌های تجاری، منع رفتارهای ضد رقابتی از جمله رویه‌های محدودکننده و اعمال بازرگانی غیرمنصفانه و تسهیل رقابت به منظور افزایش کارایی و رفاه اقتصادی می‌باشد. برخی نویسندگان با انتقاد از مقررات فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به دلیل فقدان مقدمه و عدم تبیین هدف از وضع آن‌ها و همچنین، حذف بی دلیل ماده ۱ پیش‌نویس فوق، هدف از مقررات رقابت را در حقوق ایران به دو دسته تقسیم نموده‌اند:

نخست، هدف نزدیک دوگانه که مشتمل است بر حذف یا کنترل انحصارات و منع رویه‌های ضد رقابتی و نیز تسهیل رقابت. دوم هدف غایی که عبارت است از افزایش کارایی و رفاه اقتصادی (عامری، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۴). بنابراین، تردیدی نیست که منع رفتارهای ضد رقابتی و حذف و کنترل انحصارات از انگیزه‌های اصلی تدوین قانون رقابت در ایران است؛ این‌ها عنوان اهدافی مستقل و ذاتی را دارند. باید توجه داشت که جهت‌گیری اعمال مقررات رقابت باید در راستای افزایش کارایی و رفاه اقتصادی باشد. ماده ۱ یاد شده که از حیث ذکر رفاه مصرف‌کنندگان بجای رفاه اقتصادی قابل انتقاد بود، در مصوبه کمیسیون ویژه اصل چهل چهارم مجلس شورای اسلامی حذف شد. همچنین باید توجه داشت که فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تسهیل رقابت و منع انحصار نام‌گذاری شده است؛ این امر بیانگر اهمیت ذاتی



نفس رقابت است. همچنین، در مواد ۴۴ و ۴۵ این قانون که اعمال ضد رقابتی را برمی‌شمرند، معیار ممنوعیت این اعمال، اخلاقی دانسته شده است که در نتیجه آن‌ها بر رقابت وارد می‌شود. این معیار در بند ۲۰ ماده ۱ تعریف شده است؛ انحصار، احتکار و تمرکز ثروت از مؤلفه‌های مهم احراز آن می‌باشند. بر این اساس اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف مقررات فصل نهم این قانون حفظ رقابت و جلوگیری از اخلال یا کاهش آن می‌باشد. از ظاهر عبارت این مواد برمی‌آید که در مورد اعمال مشمول ماده ۴۵ مذکور، اثر مخل بودن آن‌ها بر رقابت امری مفروض بوده و نیازمند اثبات نمی‌باشد؛ در حالی که نتیجه اخلال اعمال موضوع ماده ۴۴، در امر رقابت باید به اثبات برسد. بنابراین، مشمول قاعده متعارف و معقول محسوب می‌شوند. البته، چندان نمی‌توان به این ظهور اطمینان داشت.

دوما: هر چند در فصل نهم قانون یاد شده یعنی حقوق رقابت ایران، به صراحت از کارایی و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان سخنی به میان نیامده است، اما در مصوبات زمینه ساز وضع این مقررات، به ویژه به کارایی اشاره شده است. که یکی از اهداف مهم واگذاری را ارتقاء کارایی اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فنآوری می‌داند. بند (ج) سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز مؤید همین امر است. این هدف‌گذاری باید در تفسیر و اجرای مقررات رقابت نیز، اعمال و مد نظر قرار گیرد. چرا که مقررات رقابت یکی از مظاهر سیاست‌های کلی مذکور می‌باشد. همچنان که ماده ۱ پیش‌نویس لایحه نیز به صراحت از افزایش کارایی نام می‌برد. همچنین در مقررات خاص حقوق رقابت، یعنی مواد فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به ویژه در مواد ۴۴ تا ۵۲ این قانون ردپای کارایی و به تبع آن رفاه مصرف‌کنندگان در تعیین اعمال ضد رقابتی از غیر آن‌ها دیده می‌شود؛ در مواد ۴۴ و ۴۵ مذکور قانون‌گذار از اخلال در رقابت سخن می‌گوید؛ برای اجرای این مقررات در عمل به نظریات اقتصادی راجع به کارایی و رفاه مصرف‌کنندگان توسل خواهد شد.

بیشتر ممنوعیت‌های موضوع بندهای این مواد با توجه به اثر سوئی که بر دو معیار فوق دارند، قابل درک و توجیه می‌باشند. برای مثال، رویه‌های موضوع بندهای ۱، ۲ و ۶ ماده ۴۴ و بندهای (الف)، (د)، (و)، (ط) و (ی) ماده ۴۵ این قانون کاهش دهنده کارایی

تخصیصی و تولیدی و در نتیجه، رفاه مصرف کنندگان می‌باشند. افزون بر آنچه گفته شد، در بند ۲۰ ماده ۱ قانون مذکور که اخلال در رقابت تعریف شده است، (اضرار به عموم) و به بیان اقتصادی، رفاه مصرف کنندگان، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه یا همان ناکارایی تولیدی و پویا از ضابطه‌های مهم احراز آن مفهوم دانسته شده است. ضمن آن که یکی از مصادیق افساد در اقتصاد موضوع این بند را می‌توان ناکارایی تخصیصی دانست.

آنچه گفته شد، بدین معنا نیست که اهداف غیراقتصادی در حقوق رقابت ایران جایی ندارند. افزون بر آن که در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی مقام معظم رهبری و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نمونه‌هایی از این مقاصد دیده می‌شود، در مقررات رقابت نیز اهمیت آن‌ها برای نظام اقتصادی انکارناپذیر است. بندهای (د)، (و) و (ط) ماده ۴۵، مواد ۴۷، ۴۸ و ۵۰ قانون مذکور، هدف حمایت از بنگاه‌های کوچک و جلوگیری از تمرکز بازار را نیز در دستور کار خود دارند. یکی از اهداف بند ۲ ماده ۴۸ را نیز می‌توان حمایت از اشتغال دانست. همچنین، تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور از جمله ملاک‌های احراز اخلال در رقابت، موضوع بند ۲۰ ماده ۱ این قانون، تعیین شده‌اند؛ این‌ها به ترتیب از دغدغه‌های عدالت توزیعی و قهرمان پروری ملی قانون‌گذار حکایت دارند.

بنابراین، تردیدی نیست که در حقوق رقابت ایران اهداف غیراقتصادی نیز مد نظر می‌باشند؛ لذا، در اجرای مقررات آن، باید به این مقاصد نیز توجه کافی داشت. تنها مسأله، حل تعارضی است که ممکن است میان ضابطه‌های قانون‌گذار در بند ۲۰ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای احراز اخلال در رقابت رخ دهد. در هر حال، ارابه ضابطه‌های متنوع و مبهم از سوی قانون‌گذار، خواسته یا ناخواسته شورای رقابت را در احراز موارد ضدرقابتی به صلاح دید خود آزاد گذاشته است. جنبه مثبت چنین رویکردی آن است که شورای مذکور قادر است در هر مورد، با تکیه بر معیار مناسب و تفسیر دلخواه از آن، به مصلحت کشور عمل نموده و مقررات فصل نهم را در راستای منافع عمومی اجرا کند. (مقدم و فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

۶-۳. حقوق رقابت ترکیه

قانون حمایت از رقابت که در اواخر سال ۱۹۹۴ در کشور ترکیه تصویب شد، به ایجاد سازمان رقابت ترکیه به عنوان یک سازمان اجرایی مستقل ضدانحصار منجر شد و در این سازمان یک هیئت رقابت برای پرداختن به مسائل و سیاست گذاری تشکیل شد. رییس هیئت، رییس سازمان رقابت نیز هست و مانند یک مدیر اجرایی عمل می‌کند.

هیئت رقابت شامل یازده عضو است (شامل رییس هیئت نیز می‌شود) که به صورت تمام وقت خدمت می‌کنند. اعضای هیئت به مدت شش سال به صورت ثابت منصوب می‌شوند و این مدت زمان قابل تجدید شدن نیز هست. قانون رقابت، مکانیزم پیچیده‌ای را برای انتصاب اعضای هیئت در نظر گرفته به طوری که ترکیبی از بدنه کارشناسی و پاسخگویی سیاسی ایجاد شود. اعضای مذکور از میان کسانی که از طرف سازمان‌های مختلف نامزد شده‌اند توسط دولت منصوب می‌گردند. قانون رقابت ترکیه تصریح می‌کند که سازمان رقابت باید مستقل باشد به این معنی که هیچ ارگان، سازمان، شرکت یا شخصی نمی‌تواند برای تأثیر گذاشتن بر تصمیم نهایی دستور خاصی را به سازمان مذکور ارائه دهد، همچنین طبق قانون خدمات شهری هیچ کدام از اعضای سازمان رقابت نباید جزو احزاب سیاسی باشند. اگر چه ماده ۲۰ قانون رقابت بیان می‌کند که سازمان رقابت ترکیه به وزارت بازرگانی و صنعت وابسته است، ولی در همان ماده قید می‌شود که سازمان رقابت یک شرکت قانونی جدا از دولت است و از استقلال اداری و مالی برخوردار است. از آنجا که درآمد سازمان رقابت به صورت درصد ثابتی از کارمزدهایی که توسط شرکت‌های خصوصی به دولت پرداخت شده است تعیین شده است، استقلال مذکور توسط ملاحظات بودجه‌ای وزارت بازرگانی و صنعت، نمی‌تواند مورد تهدید قرار بگیرد.

نکته‌ای که وجود دارد این است که اگرچه دولت در مورد فعالیت‌هایی که مربوط به ضمانت اجرایی قانون رقابت است در میزان هزینه کرد سازمان رقابت دخالتی نمی‌کند، و لی برخی از هزینه‌های خاص را می‌تواند کنترل کند. به عنوان مثال، تمام سازمان‌های عمومی در ترکیه ملزم هستند که برای استخدام نیروهای جدید، از دولت مجوز بگیرند و برای سفرهای خارج از کشور کارکنان خود، شامل سفرهای تحصیلی، تأییدیه دولت را

داشته باشند (شاگری، ۱۳۹۴: ۹). ترکیه مزایای خاص دارد از جمله اینکه: ترکیه بازار آزاد دارد، مبنی بر یک سیاست توسعه صادرات که به طور فعال دولت و بخش خصوصی آن را دنبال می‌کند. همچنین یک عزم سیاسی راسخ که نسبت به آسیای مرکزی و قفقاز در دولت ترکیه وجود دارد، و سیاست صادراتی مشخص و ثابت این کشور. اما در ایران بخش خصوصی احساس امنیت نمی‌کند و به سرمایه‌گذاری نمی‌پردازد.

جدول شماره ۲. سازمان‌های رقابت، روش انتصاب اعضا و میزان استقلال سازمان‌های کشور

ایران و ترکیه

نام کشور	نام سازمان	روش انتصاب اعضا یا رییس سازمان	استقلال سازمان	
			بودجه دولتی	سایر موارد
ایران	شورای رقابت	سه نماینده مجلس، دو قاضی از دیوان عالی کشور، دو صاحب نظر اقتصادی، یک حقوقدان، دو صاحب نظر در تجارت، یک صاحب نظر در صنعت، یک صاحب نظر در خدمات زیربنایی و یک متخصص امور مالی است که به ترتیب توسط مجلس شورای اسلامی، رییس قوه قضاییه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر دادگستری، وزیر بازرگانی، وزیر صنایع و معادن، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزیر امور اقتصادی و دارایی انتخاب می‌گردند. همچنین یک نفر نیز از طرف اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و یک نفر نیز از طرف اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران	بودجه دولتی	ترکیب اعضای شورای رقابت به نفع بخش دولتی است، به طوری که از ۱۵ نفر اعضای شورا، هفت نفر از بخش دولتی، دو نفر از قوه قضاییه و سه نفر از مجلس شورای اسلامی بعنوان ناظر و تنها دو نفر از بخش خصوصی اتاق بازرگانی اتاق تعاون ایران حضور دارند.



ترکیه	سازمان رقابت- ترکیه- هیئت رقابت	انتصاب اعضای هیئت رقابت توسط دولت، از میان نامزدهای معرفی شده از طرف سازمانهای معین دولتی و خصوصی و انتصاب سایر اعضای هیئت رقابت توسط خودهیئت و انتصاب رییس هیئت توسط رییس جمهور از میان نامزدهای معرفی شده از طرف هیئت رقابت	-درصد ثابتی از کارمزدهایی که توسط شرکت‌های خصوصی به دولت پرداخت می‌شود. -دولت می‌تواند در موارد مشخصی مانند استخدام نیروی جدید یا مسافرت‌های خارجی کارکنان سازمان رقابت، هزینه‌های سازمان را کنترل کند.	- استقلال سازمان رقابت ترکیه براساس قانون رقابت و عدم توانایی هیچ ارگان، سازمان، یا شخص خاصی نسبت به تأثیری گذاری بر تصمیمات سازمان رقابت - معرفی سازمان رقابت در قانون رقابت به عنوان یک شرکت جدا از دولت و برخوردار از استقلال اداری و مالی
-------	---------------------------------	---	---	---

۶-۴. مهم‌ترین قواعد رقابت در قوانین کشورهای ایران و ترکیه

با بررسی اجمالی قواعد رقابت در کشورهای ایران و ترکیه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان قواعد مربوطه در حقوق ایران و ترکیه مشاهده می‌گردد که در جدول زیر به مقایسه قواعد رقابت (ضدانحصار) در قوانین این کشورها می‌پردازیم. (علالدینی و شیرینی، ۱۳۹۵: ۸۷).

جدول شماره ۳. قواعد رقابت (ضدانحصار) کشورهای ایران و ترکیه

نام کشور	نام قانون	مهم‌ترین قواعدی که در قانون رقابت کشورها به آن اشاره شده است:
ایران	قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی	۱- ممنوعیت تبانی، و سازش در شرایط خاص ۲- ممنوعیت تحدید و کنترل مقدار تولید، خرید یا فروش کالاها و خدمات ۳- ممنوعیت احتکار و استتکاف از معامله ۴- ممنوعیت سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط ۵- ممنوعیت تبعیض در شرایط معامله ۶- ممنوعیت کسب اطلاعات به صورت غیر مجاز ۷- ممنوعیت ادغام در شرایط خاص ۸- ممنوعیت تثبیت قیمت‌ها، فروش اجباری ۹- ممنوعیت مداخله در فعالیت رقابتی تجاری
ترکیه	آیین‌نامه جلوگیری از رقابت ناعادلانه در واردات	دامپینگ و نحوه رسیدگی و پیگیری در مورد آن

۶-۵. روابط اقتصادی ایران و ترکیه

امروزه ترکیه دیگر ایران را به‌عنوان یک تهدید خارجی و یکی از عوامل ایجاد کننده مشکلات داخلی خود نمی‌بیند، زیرا عدم وجود تهدید ایران، باعث فراهم کردن مسیر برای فعالیت ترکیه در خاورمیانه می‌شود. همچنین عدم وجود دیگران در حوزه منطقه ای به عنوان تهدید باعث افزایش اعتماد به نفس ترکیه در سیاست خارجی شده است. به صورتی که آنکارا در حل و فصل مسائل امنیتی منطقه‌ای نقش فعالی را ایفا می‌کند. شاید مهم‌تر این که هر دو کشور نفع دو جانبه‌ای در تقویت روابط خصوصاً پیوندهای تجاری به ویژه در حوزه انرژی دارند.

در واقع، میان ایران و ترکیه در اغلب اوقات، روابط تجاری و اقتصادی گسترده‌ای برقرار بوده است. از زمان صدور گاز ایران به ترکیه در سال ۲۰۰۱، روابط تجاری دو طرف گسترش یافت و در سال ۲۰۰۸ به ۱۰/۲ میلیارد دلار رسید. هرچند به علت تاثیرات بحران اقتصادی، صادرات ایران به ترکیه در سال ۲۰۰۹ حدود ۶۰ درصد کاهش یافت اما صادرات ترکیه به ایران ثابت ماند. در سال ۲۰۱۰، نرخ مبادلات تجاری میان دو کشور به جای اول بازگشت و به رقمی بالغ بر ۱۰/۶ میلیارد دلار رسید که ۹۷ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان می‌داد. در سال ۲۰۱۱، مبادلات تجاری میان ایران و ترکیه به ۱۵ میلیارد دلار افزایش یافت. حجم تجارت دو کشور ایران و ترکیه در سال ۲۰۱۲، ۲۱/۸ میلیارد دلار بود اما این میزان در سال ۲۰۱۳ به ۱۳/۵ میلیارد دلار کاهش یافت. روندی که در جریان سفر دو روزه رجب طیب اردوغان نخست وزیر وقت ترکیه به ایران در زمستان سال ۲۰۱۳، قرار شد تغییر یابد در نتیجه با امضای توافق نامه‌ای تجاری مقدماتی بین دو کشور اعلام شد که حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه تا سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد دلار خواهد رسید. همچنین در آن سفر، سند تشکیل شورای عالی همکاری‌های سیاسی میان ایران و ترکیه به امضای رئیس جمهور ایران و نخست وزیر ترکیه رسید. واقعیتی که نشان می‌دهد که دو کشور آمادگی زیادی جهت ارتقای روابط اقتصادی خود دارند. به خصوص که هر دو طرف از گسترش روابط اقتصادی و تجاری منتفع می‌شوند (حاجی مینه، ۱۳۹۳: ۶۴).

۷. اعمال رقابتی باطل

در حقوق رقابت، اعمال و رفتارهایی هستند که سو استفاده تلقی می‌شوند و ماده شماره ۲۰۱ قانون رقابت بین‌الملل نیز بر آن‌ها به عنوان اعمال رقابتی باطل تاکید دارد. این اعمال عبارت‌اند از:

- رفتارهای یغماگرانه درباره رقبا مانند استفاده از قیمت گذاری پایین برای حذف رقبا.

- قیمت گذاری و یا شرایط تأمین یا خرید کالا و خدمات تبعیض آمیز به معنی تمایز ناعادلانه با استفاده از سیاست‌های قیمت گذاری در معاملات بین شرکت‌های وابسته به گونه‌ای که این شرکت‌ها به نسبت شرکت‌های غیر وابسته پرداخت هزینه برای خرید و یا تأمین خدمات و کالاها بیش از اندازه و یا کمتر از حد مشخص متقبل شوند.

- اجتناب نسبی و یا کامل از عمل کردن به شرایط تجاری مرسوم یک سرمایه گذاری.

- تحمیل محدودیت‌های مربوط به مکان، فرد و یا شکل یا کمیت تأمین کالاها و یا فروش و صادرات کالا.

- تأمین کالا و یا خدمات خاصی به شرط خرید سایر کالاها و یا خدمات از تأمین کننده و یا طراح آن.

- تثبیت قیمت‌هایی که بر اساس آن کالاهای فروخته شده را بتوان مجدداً به فروش رساند مانند کالاهای وارداتی یا صادراتی.

- محدودیت تولید یا واردات کالاهایی که بصورت قانونی با مارک تجاری یکسان و یا مشابه در کشور تولید شده و یا وارد شده‌اند و به مالک خاص و یا شرکای تجاری دارای روابط قانونی، مدیریتی، سازمانی و یا اقتصادی تعلق دارند. هدف این محدودیت‌ها حفظ قیمت‌های بالا به صورت مصنوعی است.

- تقسیم بازار.

اعمال رقابتی باطل وقتی به وقوع می‌پیوندند که شرکت‌ها رقبای اصلی می‌باشند و فعالیت آن‌ها در یک یا چند بازار هم پوشانی داشته باشد. در چنین شرایطی، نگرانی عمده این است که شرکت‌های رقیب، محدودیت رقابتی قابل ملاحظه‌ای برای یکدیگر

ایجاد کنند که هر یک از محدودیت‌ها به نهاد جدید اجازه می‌دهد که قیمت‌ها و تولید را کنترل کند (کوخابی، ۱۳۹۴: ۸).

نتیجه‌گیری

در کشور ایران با وجود زمینه‌ها و بسترهای مناسب در فقه، جهت تدوین قانون رقابت و ممنوعیت رویه‌های مورد اشاره تا قبل از تصویب فصل نهم قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به صورت پراکنده و غیرمنسجم در قوانین، می‌توانستیم تعداد محدودی از ممنوعیت این رویه‌ها را ملاحظه نماییم، که از این غفلت خسارات زیادی بر مردم و اقتصاد کشور تحمیل گردید. تعجب آن‌جا است که با وجود احساس نیاز به تدوین قانون رقابت از سال ۱۳۷۰ به بعد از سوی برخی مسئولان، در نهایت کشور و نظام حقوقی ما دارای قانون مستقلی در این زمینه نگردید و مقررات مربوطه، در درون قانون اصلاح قانون برنامه چهارم جای گرفت. بررسی تاریخ تحولات تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد همانند تجارت در عرصه داخلی، در تجارت خارجی نیز تحقق بازار رقابتی، اهمیتی انکارناپذیر دارد. به ویژه با توجه به لزوم حمایت از فعالان تجاری بین‌المللی و ایجاد زمینه مناسب برای مدیریت ریسک فعالیت آن‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌های میزبان یا تجار دارای وضعیت مسلط اقتصادی، خلأ حاصل از وجود حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی تبعات منفی بشمار می‌آید. جایگاه ایران و ترکیه از لحاظ حقوق رقابت بین‌الملل متفاوت از یکدیگر است و ترکیه نسبت به ایران در این زمینه اقدامات بیشتری از جمله تدوین قانون و تفکیک بودجه انجام داده است.

هماهنگ سازی به منزله اصلی‌ترین راهکار شکل‌گیری حقوق رقابت بین‌الملل پذیرفته شده است. اما در حال حاضر ابزار تحقق این امر استفاده از قالب‌های حقوق نرم است که بر مبنای آن بدون ایجاد الزام حقوقی تلاش می‌شود فهمی مشترک از موضوعات ایجاد شود. ضروری است در ضوابط حقوق رقابت ایران به شکل مستقل و تفصیلی به مباحث مربوط به رقابت بین‌الملل پرداخته و تلاش شود با اقدامات متناسب این بخش از ضوابط حقوقی با اسناد و معیارهای بین‌المللی هماهنگ شود. این امر

برای کاهش ریسک سرمایه گذاری خارجی در کشورمان ضرورت انکارناپذیری دارد. همچنین، در قوانین باید به تفصیل معیارهای رفتار ضدرقابتی بین‌المللی که مشمول قوانین ایران است تبیین و با ایجاد سازوکار متناسب زمینه تعامل مؤثر با سایر کشورهای شریک تجاری ایران همچون ترکیه پیش بینی شود. به نظر می‌رسد در شرایط موجود و با توجه به فقدان قوانین مرتبط، استفاده از معاهده و شروط مربوط به نزاکت مثبت و منفی کارگشاست. در عین حال، اتاق‌های بازرگانی بین‌المللی خصوصاً اتاق بازرگانی دو کشور ایران و ترکیه می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی، تجار ایرانی و تجار ترکیه‌ای فعال در عرصه بین‌الملل را با ضوابط حقوق رقابت در این عرصه آشنا کنند تا فعالان با آگاهی از این ضوابط، ریسک تجاری حاصل از فعالیت در بازارهای جهانی را به بهترین شکل مدیریت کنند. پیشنهاد می‌گردد ایران نیز همانند ترکیه در زمینه تدوین قانون رقابت و تفکیک بودجه تغییراتی را اعمال کند و علاوه بر بودجه دولتی از بخش خصوصی نیز استفاده نماید. همچنین نقش مراجع و نهادهای ملی در پیشبرد مقررات حقوق رقابت بی‌بدیل می‌باشد و نهادهای مرتبط با این موضوع بایستی نقش پررنگی داشته باشد، به گونه‌ای که این حقوق هم مانند سایر حقوق برای مردم تبیین و تشریح شود تا آگاهی مردم در این زمینه افزایش یابد، که این آگاهی می‌تواند مثبت و در اقتصاد کشور نقش بسزایی داشته باشد، همچنان که در سطح بین‌الملل باعث افزایش همکاری‌های بین‌المللی و کاهش اختلافات می‌شود.

منابع

- باقری، محمود و سیدی، جواد (۱۳۹۳)، «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس، تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۰
- بختیاروند، مصطفی و جمالی‌نژاد، شیوا (۱۳۹۶)، «نقش حقوق رقابت در بهبود سلامت عمومی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال یازدهم شماره ۴۲

جعفرزاده، میرقاسم و شیخی، مریم (۱۳۹۴)، «رابطه حقوق رقابت و رقابت غیرمنصفانه از رویکرد یکسان انگاری تا رهیافت مکمل و استقلالی»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال اول شماره ۲

حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۴-۱۹۷۹) با تاکید بر مفاهیم دوگانه امنیت»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره سوم

حسینی، سید شمس‌الدین و شفیعی، افسانه (۱۳۹۳)، «اثر قانون رقابت بر تسهیل رقابت، رقابت مندی و استاندارد زندگی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۵

شاکری، گیتی (۱۳۹۴)، «نحوه نظارت بر اجرای قوانین رقابت و ضدانحصار در ایران و کشورهای منتخب»، اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی تهران، تهران.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ اول، تهران: سمت.

صادقی مقدم، محمدحسن و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۰)، «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳

ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۲)، «دکترین اثرگذاری در حقوق بین الملل عمومی»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید شماره ۴

علا‌الدینی، امیرعباس و شیرازی، مهرزاد (۱۳۹۵)، «قواعد حقوق رقابت در ایران و تحولات آن در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۷

کوخایی، زهره (۱۳۹۴)، «اعمال رقابتی مطلقاً باطل در حقوق رقابت بین المللی شامل تثبیت قیمت، تقسیم بازار و محدودیت در تولید»، کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، مالزی، مؤسسه سرآمد همایش کارین.

۱۲- میراحسنی، منیرالسادت (۱۳۹۲)، «شاخص‌های رقابت پذیری ایران و برخی کشورهای جهان از منظر گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۴-۲۰۱۳)»، مجله اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰

وکیلی مقدم، محمدحسین (۱۳۸۹)، توافقات ضد رقابت تجاری، چاپ اول، تهران: میزان.

وکیلی مقدم، محمدحسین (۱۳۹۶)، «حقوق رقابت بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۴

- Alden, Abbott & Shanker, Singham. (2013), "Competition Policy and International Trade Distortions", **European Yearbook of International Economic Law**.
- Ayudhaya, Devahastin. (2013), "ASEAN Harmonization of International Competition Law: What is the Most Efficient Option", **International Journal of Business, Economic and Law**, Vol. 2, 35-50.
- Garner, Bryan (ed). (2009), **Black's Law Dictionary**, 9 th Edition, West Publishing.
- Green, Ofer. (2008), **Integration of Non-Efficiency Objectives in Competition Law**, A Thesis Submitted In Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Laws, Faculty of Law, University of Toronto.
- Hoekman, Bernard & Holmes, Peter. (1999), **Competition Policy in Developing Countries and WTO**, World Bank, Working Paper, Washing D.C.
- Hoekman, Bernard. (1997), "policy and the Global Trading System", **the World Bank Policy Research Working Paper**, No. 1735.
- Hylton, Keith. (2003), Antitrust Law, **Economic Theory and Common Law Evolution**, First Edition, Cambridge University Press.
- Mason, Antony. (2005), "The Rule of Law and International Economic", in Zifcak, Spencer (ed), **Globalization and the Rule of Law**, Rutledge, First Edition, 121-140.
- Papadopoulos, Anestis. (2010), **the International Dimension of EU Competition Law and Policy**, First Published, Cambridge University Press.
- Stephan, Paul. (2005), "Global Governance, Antitrust and the limits of International Cooperation", **Cornell International Law Journal**, Vol. 38, 173-218.
- Taggart, R. (2004), **State and Price Regulation**, Oxford University Press.
- Valentine, Debra A. (1997). **"The Goals of Competition Law"**; Available at: [http://www.ftc.gov/speeches/ other/dvspeech.shtm](http://www.ftc.gov/speeches/other/dvspeech.shtm).
- Wood, Diane. (1992), "the Impossible Dream: Real International Antitrust", **the University of Chicago Legal Forum**, Vol. 32, 271-313.